

وحدت و محبت عمومی بشر و آنکه دنیا یک کره و تقسیمات و تعصبات وهم است و قتال و جدال مخالف فطرت

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (137) امر و خلق - جلد 4

۱۳۷ - وحدت و محبت عمومی بشر و آنکه دنیا یک کره و تقسیمات و تعصبات وهم است و قتال و جدال مخالف فطرت الهی است

و نیز در خطابه‌ای در کلیسای موحدین مونتریال کانادا است قوله العزیز: "جمع بشر از یک عائله اند بندگان یک خداوندند از یک جنس اند تعدد در اجناس نیست مادام همه اولاد آدمند دیگر تعدد اجناس اوهام است نزد خدا انگیزی نیست فرسائی نیست ترکی نیست فرس نیست جمع نزد خدا یکسانند جمعاً یک جنس اند این تقسیمات را خدا نکرده بشر کرده لهذا مخالف حقیقت است و باطل ملاحظه نمائید که در میان حیوانات این تعصب جنسی نیست در میان کبوتران تعصب جنسی نیست کبوتر شرق با کبوتر غرب آمیزش کند گوسفندان همه یک جنسند هیچ گوسفندی بدیگری نمیگوید تو گوسفند شرقی هستی و من غربی هر جا باشند با هم آمیزش نمایند کبوتر شرق اگر بغرب بیاید با کبوتر غرب در نهایت آمیزش است بکبوتر غرب نمیگوید تو غربی هستی من شرقی پس چیزی که حیوان قبول نمیکند آیا جائز است که انسان قبول کند همه روی زمین



ORIGINAL

یک کره است یک وطن است خدا تقسیم نمی کرده همه را یکسان خلق نموده پیش او از اختلاف حزبی نیست تقسیم را که خدا نکرده چطور انسان مینماید اینها اوهام است ببینید جمیع اروپا یک قطعه است و ما آمده ایم خطوط وهمی معین کرده ایم و نهری را حد قرار داده که اینطرف فرنسا و آن طرف آلمانیا است و حال آنکه نهر برای طرفین است این چه اوهامی است این چه غفلتی است چیزی را که خدا خلق نکرده ما آنرا بگمان سبب نزاع و قتال قرار میدهم پس همه این تعصبات باطل است"

و قوله العزیز: " حیوان درنده اگر روزی برای خوراک نهایت یک شکار میکند ولی انسان بیرحم روزی صد هزار نفر را برای شهرت و ریاست میدرد اگر گرگی گوسفند را بدرد او را میکشند اما اگر شخصی صد هزار نفر را بخاک و خون آغشته نماید او را مارشال و جنرال گویند و تعظیم و تکریم کنند اگر انسانی انسانی را بکشد یا خانه ای را بسوزاند او را قاتل و مجرم خوانند اما اگر اردوئی را بر باد نماید و مملکتی را زیر و زبر کند او را فاتح نامند و پرستش کنند اگر کسی یک دلار بدزد او را حبس نمایند اما اگر خائمان رعایا را غارت و شهری را تالان و تاراج کند او را سردار نامند و آفرین گویند"

و در خطابه پاریس قوله العزیز: " گرگ باآشیانه خویش قناعت کند پلنگ بمغاره خود قناعت دارد و شیر به پیشه خود قناعت کند هیچیک بفکر تعدی در حق دیگری نیستند ولی افسوس این انسان بیرحم اگر همه آشیانه ها را بتصرف آورد باز در فکر آشیانه دیگر است ... گرگ هر قدر درنده باشد در یک شب نهایت ده گوسفند را میدرد و لکن یک انسان سبب میشود صد هزار بشر را در یک روز قتل میکنند اگر نفسی انسانی را بکشد او را قاتل گویند اما اگر خون صد هزار بریزد او را سرور دلیران گویند اگر نفسی ده در هم از کسی بدزد او را سارق گویند اما اگر یک مملکت را غارت کند او را فاتح نامند اگر یک خانه را آتش زند او را مجرم دانند و لکن اگر مملکتی باآتش توپ و تفنگ بسوزاند او را جهانگیر گویند"

و در جواب نامه جمعیت صلح لاهای قوله العزیز: " و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله وحدت عالم انسانی است که جمیع بشر اغنام الهی و خدا شبان مهربان این شبان بجمیع اغنام مهربان است زیرا کلّ خلق فرموده و پرورش داده و به رزق احسان میدهد و محافظه می فرماید شبهه ای نماند که این شبان بجمیع اغنام مهربان است و اگر در بین اغنام جاهلانی باشند باید تعلیم کرد و اگر اطفالی باشند باید تربیت نمود تا ببلوغ رسند و اگر بیماری باشد باید درمان نمود نه اینکه کره و عداوتی داشت باید مانند طبیب مهربان این بیمارهای نادان را معالجه نمود و از جمله تعالیم بهاء الله: تعصب دینی و تعصب جنسی و تعصب سیاسی و تعصب وطنی و تعصب اقتصادی هادم بنیان انسانی است و تا این تعصبا موجود عالم انسانی راحت ننماید ... عالم انسانی از ظلمات طبیعت جز بترک تعصب و اخلاق ملکوتی نجات نیابد و روشن نگردد جمیع نوع بشر ملت واحده است ملل بمنزله اغصان است و افراد انسانی بمنزله برگ و شکوفه و اثمار ... جمیع کره ارض وطن انسان است در خلقت حدود و ثغوری تعیین نشده "